

گفتاری پیرامون کهن‌ترین دست‌نوشته فارسی درباره تمدن غرب و انگلستان

## شگرف‌نامه ولایت\*

### ○ امید سپهری

#### عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد

درصد معرفی این پیشرفت‌ها به مردم و مقایسه و سنجش آن با جامعه خود برآیند و مطالبی را برای آشنایی سیاستمداران وقت و جامعه کتابخوان بنگارند.<sup>۱</sup>

در میان عناصر آسیایی، فارسی‌زبانان شبه قاره هند و ایران از قرن ۱۸ م/ ۱۲ هـ. ق به گونه‌ای مستمر در پیوند جدیدی با اروپائیان قرار گرفتند و از همان زمان نوشته‌هایی درباره آنان از خود بر جای نهاده‌اند که می‌توان این آثار را به لحاظ شکلی و اصالت برداشت‌های آنان از غرب در دو گروه کلی «شنیده‌ها» و «دیده‌ها» جای داد.<sup>۲</sup>

آنچه نویسندگان گروه نخست یعنی «شنیده‌ها» درباره اروپا و مدنیت غربی نوشته‌اند، تماماً مسموعاتی است از انگلیسی‌هایی که در هندوستان با آنها آشنا شده بودند. زیرا آنان خود به اروپا سفر نکرده‌اند و اطلاعات خویش را به دلیل حشر و نشر با مقامات کمپانی هند شرقی بر اثر کنجکاو و از طریق پرس و جواز دوستان انگلیسی خود در هند کسب کرده‌اند. از جمله آثار گروه «شنیده‌ها» به ترتیب تاریخ نگارش می‌توان به تألیفات زیر اشاره کرد:

سفینه سلیمانی اثر محمدریغ؛<sup>۳</sup> فوائد الصفویه میرزا ابراهیم قزوینی؛<sup>۴</sup> سفرنامه حزین لاهیجی؛<sup>۵</sup> تحفه العالم و ذیل التحفه عبداللطیف شوشتری؛<sup>۶</sup> سیاحتنامه سلطان الواعظین ابوالفتح حسینی؛<sup>۷</sup> مرآت الاحوال جهان‌نما نوشته آقا احمد کرمانشاهی<sup>۸</sup> ۱۳.

گروه دوم یا «دیده‌ها» شامل آثاری است که نویسندگانش شخصاً به اروپا سفر کرده و به خاطر درنگ و اقامت چند ساله از نزدیک با مظاهر تمدن

میدان دار عرصه فرهنگ و تمدن بشری شد. اروپائیان در یک روند تدریجی و خزنده و با عملیاتی پیچیده و به کمک شرکت‌های سهامی موسوم به «کمپانی هند شرقی» اکثر کشورهای شرقی را مستعمره خود ساخته به غارت ثروت این مناطق پرداختند.

به رغم همه آثار و تبعات منفی استعمار، این پدیده تأثیرات ژرف و تعیین‌کننده‌ای در مناسبات آسیایی‌ها با اروپایی‌ها بر جای گذاشت. تکاپوهای استعماری کمپانی‌های هند شرقی هلند، فرانسه و انگلیس در شرق<sup>۹</sup> این دو عنصر را در کنار هم قرار داد و لاجرم باعث برقراری مناسبات نزدیک‌تر، رفت و آمدهای بیشتر و جذب و اقتباس‌های نه چندان متقابل شد. به هر روی، در پی این تعاملات به دلیل توسعه قابل ملاحظه اروپا در عرصه‌های مختلف علمی و صنعتی و سیاسی و اجتماعی، اندیشمندان شرقی در اولین برخورد با جلوه‌های مدنیت مغرب زمین و مشاهده اروپای مترقی متوجه عقب‌ماندگی مادی و اجتماعی خود شده و مات و مبهوت ترقیات صنعتی غرب شدند.<sup>۱۰</sup> مشاهده این همه تفاوت مابین آسیا و اروپا کنجکاو و توأم با حیرت آنان را برانگیخت. مهمترین پرسشی که از سوی آنان مطرح شد این بود که چگونه مثل غرب شویم و چگونه به ابتکارات و اکتشافات و اختراعات و پیشرفت‌های غرب دست یابیم؟<sup>۱۱</sup>

آرزوی اخذ و اقتباس شیوه حکومتداری، روبه قضایی، نظام پارلمانی و اسلوب نظامی اروپا توسط سلاطین شرقی و امید به دستیابی اختراعات و صنایع، نظیر صنعت چاپ و روزنامه و... نویسندگانی در مشرق زمین را واداشت تا دست به قلم برده و

#### پیش درآمد:

تاریخ روابط تمدن‌های آسیایی و اروپایی پیشینه‌ای بسیار طولانی و توأم با تقابل‌های نظامی و تبادل‌های فرهنگی و تعاملات سیاسی و اقتصادی دارد. این ارتباط از بنو تشکیل اولین دولت‌ها آغاز و با اشکال و روندهای مختلف همچنان ادامه پیدا کرد. تا پیش از آغاز دوره موسوم به قرون جدید و پدید آمدن بنیادهای اساسی مدنیت جدید غربی، تماس‌های تأثیرگذار این دو تمدن از طریق رویارویی شرق و غرب در قالب جنگ‌های دویست ساله صلیبی و فعالیت‌های اقتصادی دریانوردان ونیزی و ژانویی در حوزه دریای مدیترانه بود.<sup>۱۲</sup>

به دنبال جنگ‌های صلیبی، با توجه به سطح نازل تمدن غرب، تعاملی رابطه‌ای به‌وجود آمد و اروپائیان با کنجکاو و همه عناصر تمدنی مشرق‌زمین را چه در بعد مادی و چه در بعد اندیشه و فرهنگ مورد اقتباس قرار دادند. پیامد و محصول این جذب در عرصه داخلی، بیداری غرب و بروز تحولات همه جانبه در ادبیات (رنسانس)، مذهب (رفورم)، حکومت (فروپاشی نظام فئودالیت و برپایی حکومت‌های متمرکز) و اقتصاد مرکانتیلیسم بود. در عرصه بین‌المللی نیز باعث اکتشافات بزرگ دریایی، چیرگی بر بازارهای جهانی و به دست گرفتن حساس‌ترین راه‌های آبی و دست‌اندازی بر سایر کشورهای جهان از جمله مشرق زمین و ملاً موجب شکل‌گیری پدیده استعمار شد.<sup>۱۳</sup>

از این زمان به بعد بنا به علل و عواملی که بررسی تک‌تک آنها خارج از حوصله این نوشتار است، شرق از رونق و اعتبار سابق خود تنزل یافت و از تحولات سایر نقاط دنیا بی‌اطلاع ماند و غرب

جدید غربی آشنا شده و مسافرت‌نامه‌هایی در این خصوص بر جای گذاشته‌اند. از زمره این آثار می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد:

**مسیر طالبی فی بلاد افرنجی** نوشته میرزا ابوطالب اصفهانی (لندن):<sup>۳۱</sup> «حیرت‌نامه ابوالحسن خان ایلیچی»<sup>۳۲</sup> سفرنامه میرزا صالح کازرونی؛<sup>۳۳</sup> سفرنامه میرزا رضا قلی نایب الایاله.<sup>۳۴</sup>

اگر با واسطه بودن اطلاعات آثار گروه اول درخصوص غرب صرف نظر نماییم، آگاهی‌های سودمندی که هر دو گروه درباره سازمان اداری، شیوه مملکت‌داری و ظرایف زندگی مردم اروپا ارائه داده‌اند، مجموعه قابل توجهی از منابع ما در باب شناخت فرهنگ و تمدن غربی را تشکیل می‌دهند. در لابه‌لای این دست از منابع است که تصریحاً یا تلویحاً به نکات ارزشمندی پیرامون علل پیشرفت غرب و عقب‌ماندگی شرق می‌توان دست یافت.

تاکنون اکثر تاریخ‌پژوهان بر این باورند که نخستین آسیایی با نام و نشان که به اروپا سفر کرده و از انگلستان دیدار داشته میرزا ابوطالب اصفهانی بوده<sup>۳۵</sup> و اولین دست‌نوشته فارسی که به وسیله یک مسلمان درباره زندگی اروپائیان نوشته شده کتاب ارجمند مسیر طالبی فی بلاد افرنجی می‌باشد.<sup>۳۶</sup>

اما تا آنجا که ما آگاهی داریم و با استناد به مندرجات یک متن کهن، نخستین آسیایی فارسی زبان مسلمان که خود به اروپا رفته و از نزدیک با تمدن جدید اروپایی آشنا شده و سفرنامه‌ای در این زمینه بر جای نهاده، نه میرزا ابوطالب اصفهانی بلکه شخصی از فارسی زبانان بومی هندوستان به نام **اعتصام‌الدین جونپوری** بوده که در اوایل نیمه دوم قرن ۱۸ م / ۱۲ هـ. وارد اروپا شده است.

مسافرت او به اروپا و «ولایت انگلند» به مناسبت بردن نامه‌ای از طرف پادشاه گورکانی هند به پادشاه انگلستان و به همراه یکی از کارگزاران کمپانی هند شرقی انگلیس صورت گرفت و از سال ۱۱۸۰ هـ. تا ۱۱۸۳ هـ. / ۷۰-۱۷۶۷ م حدود دو سال و نه ماه به طول انجامید. وی بعدها به سال ۱۱۹۱ هـ. / ۱۱۷۸ زمانی که اصرار دوستانش برای ثبت مشاهدات حیرت‌انگیزش از حد و اندازه می‌گنرد دست به قلم برده و با نثری ساده و روان و خالی از استعارات و اصطلاحات خاطرات سفرش را تنظیم می‌کند. از آنجا که مشاهدات خود را از مقوله «نوادرات» می‌دانسته عنوان این یادداشت‌ها را **شگرف‌نامه ولایت گناشته**<sup>۳۷</sup> زیرا آنچه در این یادداشت‌ها آمده شرح چیزهایی است که کاملاً برای او تازگی داشته و شگفت‌آور بوده است.

تاکنون دو نسخه خطی از شگرف‌نامه توسط دو تن از پژوهشگران ایرانی شناسایی شده است. یک نسخه آن با مشخصه 0۲۲۰۰ در کتابخانه موزه بریتانیا (British Library) نگهداری می‌شود و توسط زنده یاد مرحوم دکتر **عبدالهادی حائری**

میکروفیلم آن برای دانشگاه فردوسی مشهد تهیه شده است.<sup>۳۸</sup> نسخه دیگر در کتابخانه بودلیان آکسفورد (Bodleian Library Oxford) با مشخصه Acorps, A۸ مضبوط است و دانشمند گرانقدر استاد ایرج افشار در **یادداشت‌های سفر آکسفرد خود** به معرفی و ذکر منقولاتی از این نسخه پرداخته است.<sup>۳۹</sup>

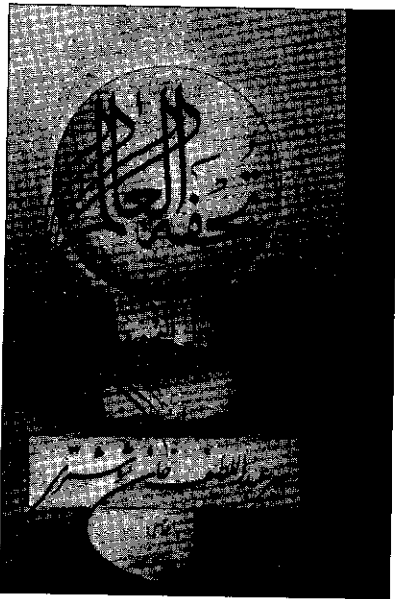
سفرنامه‌ای که اعتصام‌الدین از خود بر جای نهاده، ظاهراً یکی از کهن‌ترین دست‌نوشته‌های پارسی درخصوص انگلستان و تمدن جدید اروپایی است، و به لحاظ اینکه نویسنده‌اش از نخستین افرادی است که انگلستان را در قرن ۱۸ م دیده<sup>۴۰</sup> و با کنجکاوی فوق‌العاده مطالب زیادی را درباره اروپایی که تا آن زمان خارج از حدود بصیرت و مایه حیرت و شگفتی خود نویسنده و بسیاری از آسیایی‌ها بوده، جمع‌آوری کرده و با دقت و وسواس آن را به فارسی زبانان معرفی نموده، حائز اهمیت فوق‌العاده است. در هر صورت نسخه حاضر که مبنای کار ما قرار گرفته است (نسخه کتابخانه بریتانیا) در ۱۱۳ صفحه با نثری ساده و عاری از عبارات و ترکیبات دشوار نثر فارسی‌نویسان شبه قاره هند و با خطی نسبتاً خوانا در هشتمین سال سلطنت اکبر شاه ثانی ۱۸۰۶ م / ۱۸۳۷ م ۱۲۲۱ هـ. / ۱۲۵۳ هـ. یعنی حدود سنه ۱۲۲۷ هـ. / ۱۸۱۳ م توسط کاتبی اردو زبان که ظاهراً سواد فارسی نداشته برای یکی از مقامات کمپانی انگلیسی به نام همیلتن بهادر استنساخ شده و او نیز در سال ۱۸۳۶ آنرا به کتابخانه موزه بریتانیا اهداء کرده است.

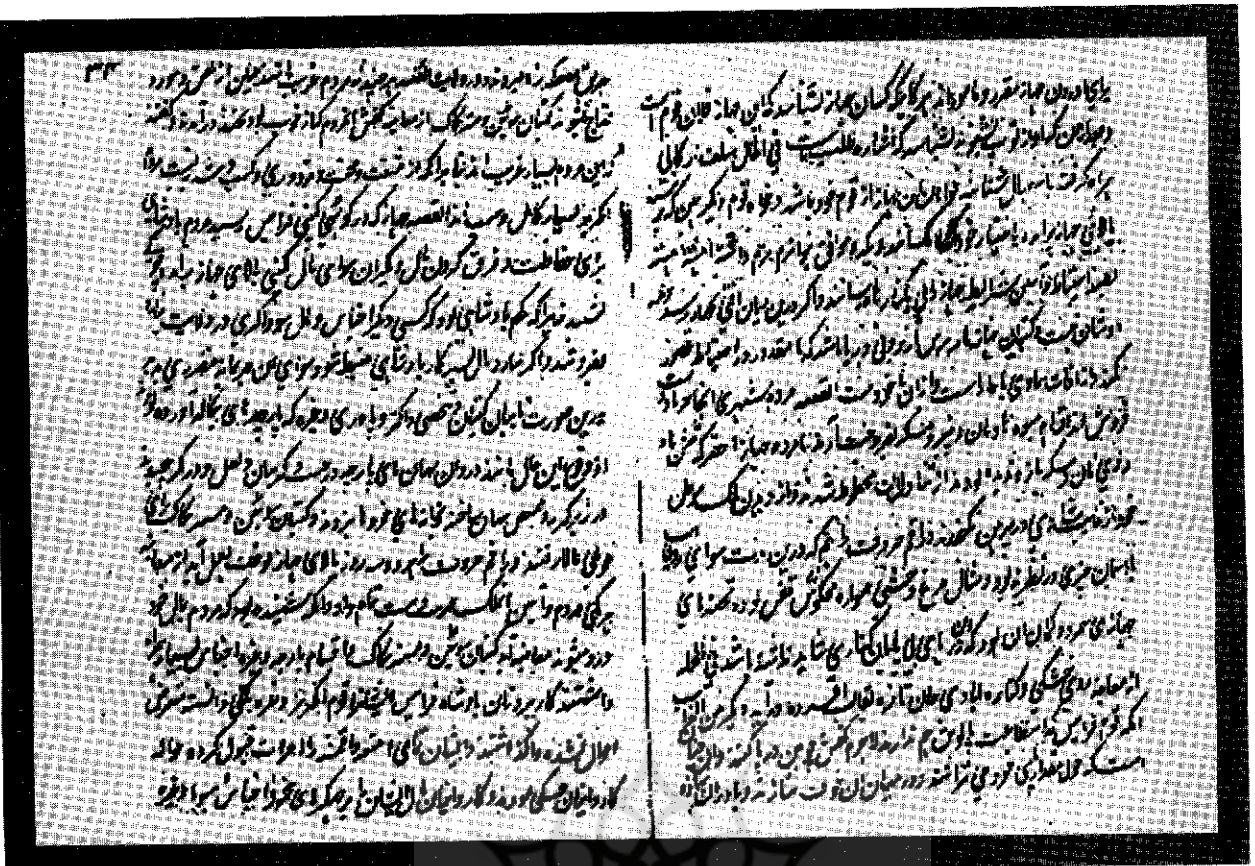
**شگرف‌نامه ولایت** را از سمت و سوهایی مختلف می‌توان مورد مطالعه قرار داد. در اینجا صرفاً به معرفی نویسنده و ذکر مندرجات متن و بررسی برخی از مطالب تحلیلی و انتقادی اعتصام‌الدین مبادرت خواهد شد.

#### درباره مؤلف:

از جزئیات شرح احوال، تحصیلات و گرایش مذهبی اعتصام‌الدین اطلاع کاملی در حال حاضر در دست نیست. از خلال نوشته‌هایش چنین برمی‌آید که وی مسلمان زاده‌ای از اهالی بنگاله، فردی متشرع و کنجکاو و دارای معلومات وسیع در زمینه‌های تاریخ و علوم دینی بوده است. پایبندی وسواس‌گونه او به رعایت دقیق جوانب شرعی در مسائل خصوصی روزمره‌اش و مباحثات او با برخی از دانشمندان انگلیسی و پاسخ‌های عالمانه او به پرسش‌های مغرضانه و شبهه افکنانه آنان درباره جنگ‌ها، معجزات و تعداد زوجات، از اخلاص و ایمان استوار او به اسلام حکایت می‌کند.<sup>۴۱</sup>

به هر روی، با توجه به زندگی‌نامه مختصری که وی تحت عنوان **ذکر حالات خود و حقیقت ترقیم و ترسیل نامه شاه عالم به شاه ولایت** بر جای نهاده، خود را «عاصی پرمعاصی یعنی





برگ ۳۴ از نسخه خطی کتاب شکرنامه ولایت

کتابخانه مجلس شورای اسلامی - تهران

### در میان عناصر آسیایی، فارسی زبانان شبه قاره هند و ایران از قرن ۱۸ م/ ۱۲ هـ. ق به گونه‌ای مستمر در پیوند جدیدی با اروپائیان قرار گرفتند و از همان زمان نوشته‌هایی درباره آنان از خود بر جای نهاده‌اند که می‌توان این آثار را به لحاظ شکلی و اصالت برداشت‌های آنان از غرب در دو گروه کلی «شنیده‌ها» و «دیده‌ها» جای داد

اعتصام‌الدین ولد شیخ تاج‌الدین مرحوم ساکن تاج‌پور<sup>۳۶</sup> معرفی می‌کند. اعتصام‌الدین سال‌ها در دستگاه دیوانی حاکمان بنگاله، که لقب نواب داشتند به امر منشی‌گری و نویسندگی فرامین و اسناد دیوانی اشتغال داشته و پس از کسب مهارت در این امر به استخدام کمپانی هند شرقی انگلیس درآمد.

کمپانی به نام کاپیتان سوتنن مأموریت یافت تا نامه و هدایای شاه عالم را به انگلستان ببرد و چون به یک نفر منشی به نمایندگی از سوی دربار گورکانی احتیاج افتاد، اعتصام‌الدین معرفی گردید. اعتصام‌الدین در تاریخ ۱۱۸۰ هـ. ق/ ۱۷۷۶ م. به همراه کاپیتان سوتنن با کشتی هندوستان را ترک کرد و پس از

شاه عالم ناگزیر به عقد قراردادی شد که طی آن در ازای دریافت یک مقرر ماهیانه، به کمپانی حقوق و امتیازات دیوانی و مالی فوق‌العاده‌ای اعطا کرد. بدین صورت که: مقام‌های محلی بنگال به امور مدنی و اجرایی و مقام‌های کمپانی به جمع‌آوری مالیات و کنترل آن بپردازند.<sup>۳۷</sup> پس از حل و فصل مسئله بنگال، شاه عالم که شیفته نظم و انضباط افواج نظامی انگلیسی شده بود درخواست همراهی یک سپاه انگلیسی با خود را مطرح می‌کند. مقام‌های کمپانی اظهار می‌دارند که بدون اجازه پادشاه انگلستان و موافقت هیأت مدیره کمپانی نمی‌توانند در این خصوص تصمیمی اتخاذ نمایند. به خاطر پافشاری و اصرار شاه عالم قرار شد مراتب به پادشاه انگلستان منعکس گردد. لذا پادشاه ضعیف دهلی طی نامه‌ای ضمن طرح درخواست نگهداری یک فوج انگلیسی، مفاد قرارداد و تعهدات طرفین در قضیه بنگال را جهت اطلاع پادشاه انگلستان مطرح ساخت و یکی از صاحب منصبان

وی با سمت منشی سال‌ها متناوباً در خدمت چندین تن از کارگزاران کمپانی بوده و برای حل و فصل اختلافات مالی کمپانی و حکومت‌های محلی هند به عنوان رابط و میانجی به سفارت می‌رفته و بدین ترتیب به تصریح خود او ایام جوانی‌اش «به نوکری صاحب انگریز بهادر به کار کمپنی» صرف شده است.<sup>۳۸</sup>

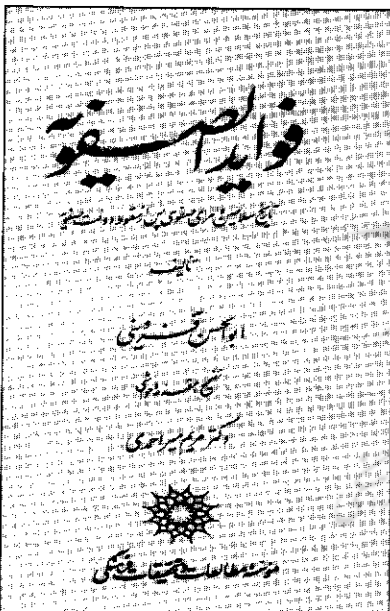
**اعتصام‌الدین به دنبال شکست نواب سراج‌الدوله حاکم بنگال در نبرد معروف پلاسی (Plassy) که منجر به تصرف بنگال توسط کمپانی انگلیسی شد،**<sup>۳۹</sup> پس از بیوستن به این و آن نهایتاً به ملازمت پادشاه گورکانی دهلی یعنی شاه عالم درآمد. مظاهراً پس از تصرف بنگال، تلاش‌هایی از سوی دهلی برای جبران مافات و اخراج انگلیسی‌ها صورت گرفت ولی به ناکامی انجامید و پادشاه دهلی در محلی به نام بوکسار (بکسر) به اسارت افتاد.<sup>۴۰</sup>

یک سفر دریایی شش ماهه و پشت سرگذاشتن خطرات زیاد و توقف‌های کوتاه در چند جزیره سر راه به «ولایت انگلستان» وارد شد.<sup>۴۱</sup> از یادداشتهای اعتصام‌الدین چنین برمی‌آید که او در انجام مأموریت محوله ناکام بوده است. زیرا به دلیل اختلافاتی که بین هیأت مدیره کمپانی و دربار انگلیس بر سر مسایل مالی و عرصه فعالیت‌های کمپانی از قبل وجود داشت و در حین ورود او به انگلیس بر اثر فتح بنگال تشدید شده بود، موفق به دیدار شاه و انجام مأموریت خود نمی‌شود. مقامات کمپانی که حاضر به دست کشیدن از سود سرشار عواید بنگال نبودند و از پذیرفتن خواست دولت مبنی بر «پرداختن به تجارت و خودداری از ملک‌داری و سیاست» سرپیچی می‌کردند، محتوای نامه پادشاه هند را به ضرر خود و دستاویز و مستمسک معتبری برای فشارهای دربار بر کمپانی می‌دانستند، تممداً از ارائه آن به پادشاه انگلستان خودداری کردند. به هر روی اعتصام‌الدین بر اثر همین ناکامی در



میرزا ابوالحسن خان شیرازی، اولین سفیر دوران قاجار به دربار انگلستان

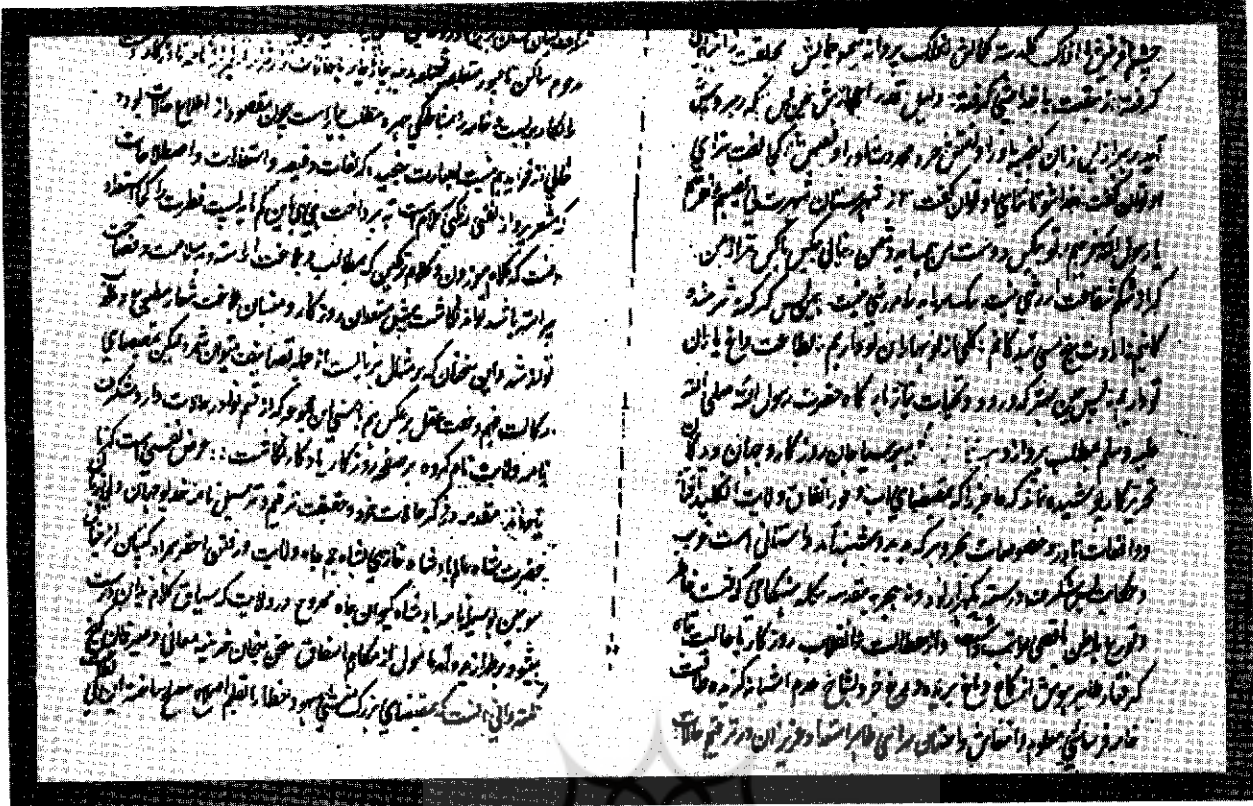
یادآوری می‌کند: نخستین مردمی که به فکر ارتباط با شرق افتادند پرتغالی‌ها بودند که با استفاده از قطب‌نما و تکمیل صنعت و قوانین کشتیرانی پس از سال‌ها کوشش توانستند با عبور از گودهوپ یا دماغه امیدنیک و دور زدن قاره آفریقا به سواحل هند برسند. به نظر وی سود سرشاری که از رهگذر جابجایی کالاها و نفیس شرقی عاید پرتغالی‌ها می‌شد باعث استمرار و تلاوم تلاش‌های بعدی گردید و پرتغالی‌ها بعد از چند بار رفت و آمد «سررشته نقشه طرق و شوارع دریا و خصوصیات دکهن را نگاشته کتب‌ها ساخته و دستورالعمل‌ها پرداخته در تمامی ملک فرنگستان اشتهار دادند» و موجبات تحریک سایر دول را فراهم آوردند تا اینکه «هر یک از کلاهپوشان مثل فرانسیس و انگریز و لنڈیز غیره بموجب نقشه مره بعد آخری در تمامی ملک [هند] راه یافتند و در دکهن و بنگاله مکانها ساخته پیشه تجارت گرفتند و مردم این ولایت را از اجناس غریبه فرنگ محظوظ ساختند».<sup>۳۳</sup>



یکی از نکاتی که از دیده اعتصام‌الدین دور نمانده، تشکیلات کمپانی است. وی نخست به وجه تسمیه کمپانی پرداخته و سپس به ساختار اداری و سلسله مراتب آن اشاره نموده است و از اقسام کمپانی در اروپا خبر می‌دهد و از تعهدات متقابل کمپانی و دربار یاد می‌کند. نکته جالبی که وی به آن اشاره می‌کند ممنوعیت واردات پارچه بنگانه و ابریشم و تریاک به انگلستان است

**متن و محتوای کتاب:**  
آنچه اینک به عنوان شگرفنامه ولایت در دست ماست فقط شامل مقدمه و مقاله اول است که حاوی وقایع سفر مؤلف از هنگام خروج از هندوستان تا ورود به انگلستان می‌باشد. از آنجایی که مطالب کتاب بدون کوچک‌ترین اشاره و به طور ناگهانی پدید می‌پذیرد و از سوی دیگر برخلاف سفرنامه‌های مشابه ذکری از چگونگی مراجعت و مسیر بازگشت او به میان نیامده، این حدس و گمان را که احتمالاً نویسنده قصد داشته مقالات یا مقالات بعدی را به این امر اختصاص دهد تقویت می‌کند.  
اعتصام‌الدین در تنظیم شگرفنامه فصل‌بندی منسجم و متداولی را مد نظر قرار ندهد و موضوعات مورد علاقه خود را تحت عنوان «در ذکر...» آورده است. اما با وجود این نقیصه، در یک نگاه کلی می‌توان محتوا و مندرجات کتاب را به دو بخش کاملاً متمایز تقسیم کرد:

**بخش نخست** که از حجم کمتری برخوردار است شامل مباحثی همچون بیان علت تألیف اثر، شرح زندگانی نویسنده و ذکر فعالیت‌ها و تکاپوهای استعماری و پیشینه رقابت‌های تجاری کشورهای مختلف اروپایی در هندوستان است.  
**بخش دوم** که در واقع قسمت اصلی و تحلیلی کتاب محسوب می‌شود و از حجم قابل توجهی برخوردار است دربردارنده شرح مشاهدات عینی نویسنده از اروپا و جامعه انگلستان است.  
مقاله اول شگرفت نامه با عنوان «مجملی از احوال آمدن پرتکیش و غیره کلاهپوشان فرنگ» به بنگاله آغاز و به تشریح تکاپوهای استعماری دول اروپایی به‌ویژه پرتغال، فرانسه، آلمان و هلند و انگلیس اختصاص یافته است. اعتصام‌الدین درخصوص پیشینه و روند نفوذ غربیان به شرق



خطی کتب و اسناد دولتی و ادبیات ۱۳۸۲

### اعتصام الدین در تاریخ ۱۱۸۰ هـ / ۱۷۷۶ م به همراه کاپیتان سوتنین با کشتی هندوستان را ترک کرد و پس از یک سفر دریایی شش ماهه و پشت سر گذاشتن خطرات زیاد و توقف‌های کوتاه در چند جزیره سر راه به «ولایت انگلستان» وارد شد

و نمی‌تواند اظهار شگفتی خود را از این امر که «مردمی که خواستار چهل بیکهه زمین بودند و حال مالک نصف هندوستان شده و همه سرکشان را زیر دست و پا ساخته‌اند» پنهان سازد و همه این موفقیت‌ها را به مقتضای مشیت و اراده خدای تعالی می‌داند.<sup>۳</sup>

اعتصام‌الدین در ادامه ذیل این عناوین: ذکر فرار شدن الیمان، در ذکر وسعت و فسحت دریای شور و عدم انتهای عمق / در ذکر ترکیب کمپاس یعنی قبله‌نما که پارسیان حلقه گوید / در ذکر بیان پیمایش راه جهاز و حساب کمی و بیشی هوا و غیره / در ترکیب و اسلوب اقسام جهاز و بادبان‌ها و مکانات جهاز و غیر آنها / در بیان اقسام بادها / در بیان باد شسرط / رسیدن به جزیره مورشش [موریس] و بیان حالات و کیفیت آنجا / در ذکر جزیره مندبله و نبدی از حالات جنگ انگریزان با قوم اسپان [اسپانیایی] ذکر جزیره پیکو / ذکر جزیره مالدیسه (مالدیو Maldive) جزیره مالکاس / جزیره ملیوار (مالابار Malabar) جزیره سیلان / در ذکر حالات کاف [کیپ Cape] و

پایتخت آنان را ویران کرد و نهایتاً متصرفاتشان به دست انگلیسی‌ها افتاد.<sup>۳۵</sup>  
مؤلف در مبحث دیگری به چگونگی استقرار اولیه انگلیسی‌ها و نفوذ و رخنه آنان در هند پرداخته و تحت عنوان «ذکر برخاستن کوتهی انگریز از کپول کهات و آبادی کلکنه بنظم و نسق تمام» می‌نویسد:

انگلیسی‌ها نخست در محلی به نام کپول کهات بودند ولی بنا به علی که عمدتاً مذهبی بوده روابطشان با حاکم هوکلی تیره می‌شود. در همین اثنا اورنگزیب که مشغول سرکوب حکومت‌های شیعی دکن در گولکنده بود<sup>۳۶</sup> از لحاظ آذوقه دچار مشکل می‌شود.

انگلیسی‌ها از این فرصت استفاده کرده و بارفعل مشکل اورنگزیب و دادن پیشکش‌ها و هدایای بعدی، موفق به اخذ امتیازات زیادی می‌شوند. و حتی به پاس کمکهایشان قطعه زمینی برای ساختن قلعه و فرمان معافیت مالیاتی تجار کمپانی را دریافت می‌کنند.

اعتصام‌الدین انگلیسی‌ها را به عنوان ملتی که از سایر دول اروپایی قدرتمندتر و باهوش‌تر هستند سخت مورد ستایش قرار می‌دهد و پیشرفتهای استعماری انگلیس و «عزیز دلها» شدن آنان را به خاطر «اولوالعزم بودن و حوصله بزرگ داشتن» و مدیون اتخاذ سیاست تساهل و تسامح مذهبی و به تعبیر او «صلح کل» با مردم مستعمرات خود می‌داند

خصوصیات آنجا / ذکر جزیره ساسون / ذکر جزیره که در زیر آب غرق شده / ذکر جزیره سنتیله عمل انگریز / جزیره تاکو / ذکر ولایت مغربی / ذکر معایب و غرایب دریا آنچه که دیده و شنیده آمد / در بیان خوک ماهی / ذکر نهنگ دریایی / در ذکر گاو دریایی و غیره / شکل آدمی فریب / رسیدن به شهر پارت لورینون و خصوصیات آنجا و نهایتاً رسیدن به ملک انگلند و حالات آنجا<sup>۳۷</sup>، به توصیف وضعیت آب و هوا، محصولات و خصوصیات مردمان جزایر سر راه پرداخته و از افسانه‌هایی که درباره ساکنین جزایر آدمخوار شنیده سخن به میان می‌آورد. وی همچنین به تشریح یافته‌ها و اختراعات جدید غربی مانند قطب‌نما، صنعت کشتی‌سازی و دریانوردی پرداخته است. نکته سنجی و دقت نظری که وی در بیان این مطالب از خود نشان داده بیانگر باریک‌بینی و موشکافی مؤلف است.  
پس از این مطالب که بیشتر آموخته‌ها و معلوماتی است که اعتصام‌الدین در کتاب‌ها مطالعه کرده و یا از افراد مطلع کسب کرده، نوبت به اصل گفته‌های اعتصام‌الدین یعنی شرح مشاهدات عینی او از جامعه انگلستان می‌رسد.  
اعتصام‌الدین در ابتدای این بخش در مبحث «در بیان حقایق شهر انگلند» به ذکر چگونگی ورود خود به شهر لندن همراه با شخصی به نام محمد مقیم می‌پردازد. وی صادقانه اذعان می‌دارد اهالی لندن که تا آن زمان یک آسیایی را با لباس عجیب و

غریب شرقی ندیده بودند، گروه گروه برای تماشای او ازدحام می‌کردند و به خاطر چهره تیره بنگالی وی او را «به زبان خود دیبل (Devil) یعنی دیو سیاه تصور کرده از غایت ترس نزدیک نمی‌آمدند.»

اعتصام‌الدین همچنین به این نکته که او اولین آسیایی است که پا به قاره اروپا گذاشته تأکید نموده و می‌نویسد: «الغرض پیش از مؤلف نسخه کسی غیر از خلاصیان... کسی منشی با این لباس در ولایت» نرفته و مردم اروپا نیز تا آن موقع از وضع و اطوار مردم هندوستان چندان اطلاعی نداشتند.<sup>۲۳</sup>

وی در ادامه زبان به تحسین مردم لندن گشوده و از خوش برخوردی و غریب‌نوازی اهالی شهر لندن حکایاتی را تعریف نموده و صفحات زیادی را به توصیف دقیق موقعیت جغرافیایی لندن و شرح مشاهدات خود از اماکن مهم و تاریخی شهر و جلوه‌های دیگر آن پرداخته که عبارت‌اند از: کلیسای سن جرج/ کلیسای منسترابی/ پل منستر بریج/ پل وست مینستر/ کاخ پادشاه و ملکه پلی هوس/ حالات چاپک‌سوار چلسی/ ذکر خانه رقص/ ذکر مدرسه‌های شهر لندن/ ذکر مدرسه تعلیم علم هیئت/ ذکر باریدن برف/ ذکر خصوصیات ملک اسکانن/ ذکر آفرینش قوم کلاه‌پوشان فرنگ/ ذکر اجرای دین و مذهب عیسوی/ ذکر برخی از عقاید و ایمان انصاری/ در ذکر عبادت و نماز مردم ولایت/ در ذکر سبب انکار قوم انگریزان به نوبت محمد(ص)/ بیان این قوم در اعتقادات کتب آسمانی/ بیان بحث عقاید اسلام/ ذکر خاص ملک انگلند/ ذکر گوره‌های ولایت و حال ملک فرانس و قوم فرانسیسی. توصیفات مؤلف در این زمینه به قدری ساده و گیرا است که خواننده را بی‌اختیار مجذوب می‌کند.<sup>۲۴</sup>

اعتصام‌الدین، صفحاتی چند از یادداشت‌های سفر خود را به موضوع قانون در انگلیس و نقش آن در «نظم و نسق ملک رانی» اختصاص داده و در زمینه محدودیت اختیارات سلطنت و تکرر قدرت و ثبات و استمرار حکومت انگلیس، سخنانی درخور توجه به دست داده است.

وی قدرت شاه را برآمده از اراده عمومی و «اتفاق قوم» و موقوف به انتخاب و «اختیار قوم» به شمار آورده و سررشته امور را در دست «چهار فریق» می‌داند. اعتصام‌الدین در این خصوص چنین می‌آورد:

«رؤسای قوم متفق شده چهار فریق مقرر نموده‌اند، فرقه اول برای امور عدالت، فرقه دوم متصدی پیشه که بندوبست ملک و تحصیل خزانه و مشرف خزانچی و داروغه اهتمام خرج و اخراجات ذمه ایشان است. فرقه سیوم امیران و مشیران و مدیران امور مملکت. فرقه چهارم سرداران لشکر که حراست سرحد ملک و تهانه‌جات و... سپاه خشکی و تری یعنی چهارزات جنگی ذمه آنها است...»<sup>۲۵</sup>

وی می‌افزاید که قدرت واقعی در دست این «چهار فریق» است و آنان در «جمع امور مالی و ملکی مختار کلند» و پادشاه به جز «اعلان جنگ و صلح» آن هم به صلاحدید «ارکان دولت» هیچ اختیاری ندارد. او همچنین نمی‌تواند هیچگونه مجازاتی را در مورد کسی اذعان کند و حتی اختیار کشتن یا صدمه زدن به هیچکس حتی خدمه خود را ندارد. ولی با این وجود حق در جان بخشی و شفاعت محکومات برای وی محفوظ است.

در توصیف اعتصام‌الدین از نظام حکومت انگلیس، سلطنت استبدادی جایی ندارد و پادشاه فقط پاسبان قوم است و اگر پادشاه به وظایف خود به درستی و بر طبق موازین و آئین دادگری رفتار نکند با واکنش مردم روبرو شده و مردم حق دارند او را برکنار نمایند. اعتصام‌الدین سخت تحت تأثیر نظم و ترتیب شیوه جانشینی پادشاه انگلیس براساس موازین قانونی و نه کشمکش بر سر تصاحب تاج و تخت، قرار گرفته و آنرا بهترین شیوه می‌داند و می‌گوید استمرار و تداوم قدرت انگلستان و برتری آن بر دولت‌های مستبد دیگر سرزمینها زائیده همین شیوه است. وی می‌نویسد: در صورت فوت پادشاه وقت، اگر پسر بزرگش لیاقت شاهی داشته باشد بر تخت می‌نشانند وگرنه هر یک از پسرانش را که شایسته باشد به سلطنت انتخاب می‌کنند و اگر پادشاه بدون فرزند و «لااولاد» باشد فرد دیگری از خاندان سلطنتی را به پادشاهی انتخاب می‌کنند و سوگند می‌دهند که بر طبق عدالت سلوک نمایند.

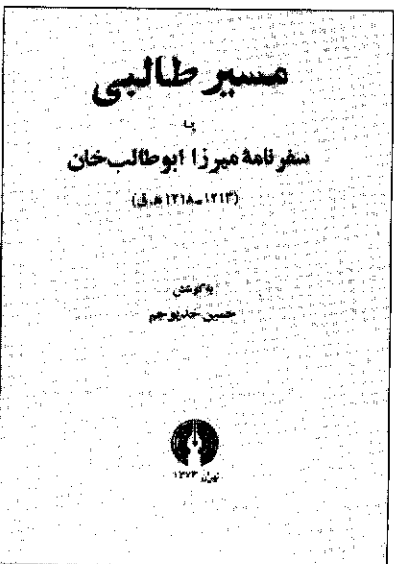
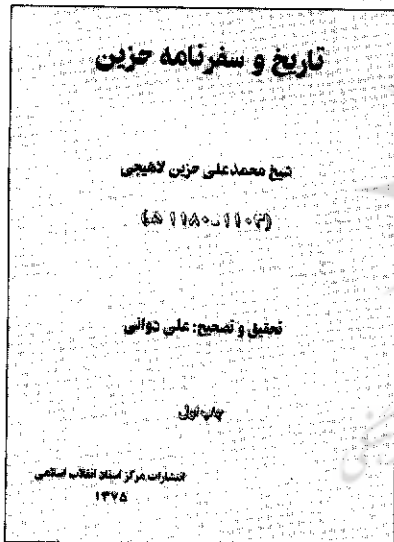
وی نحوه مسالمت‌آمیز انتقال قدرت را که هیچ‌کس جرأت ندارد مدعی مقام سلطنت گردد مگر اینکه قانون صلاحیت او را برای احراز این مقام تأیید نماید با طریقه جانشینی در هندوستان مقایسه می‌کند و می‌گوید در آنجا به محض فوت پادشاه وقت، برای تصاحب تاج و تخت، کشمکش خونین بین پسران و برادران و شاهزادگان و امرا و حتی وزرا پدید می‌آید که این امر نهایتاً باعث فروپاشی نظم و عدم ثبات حکومت می‌شود.

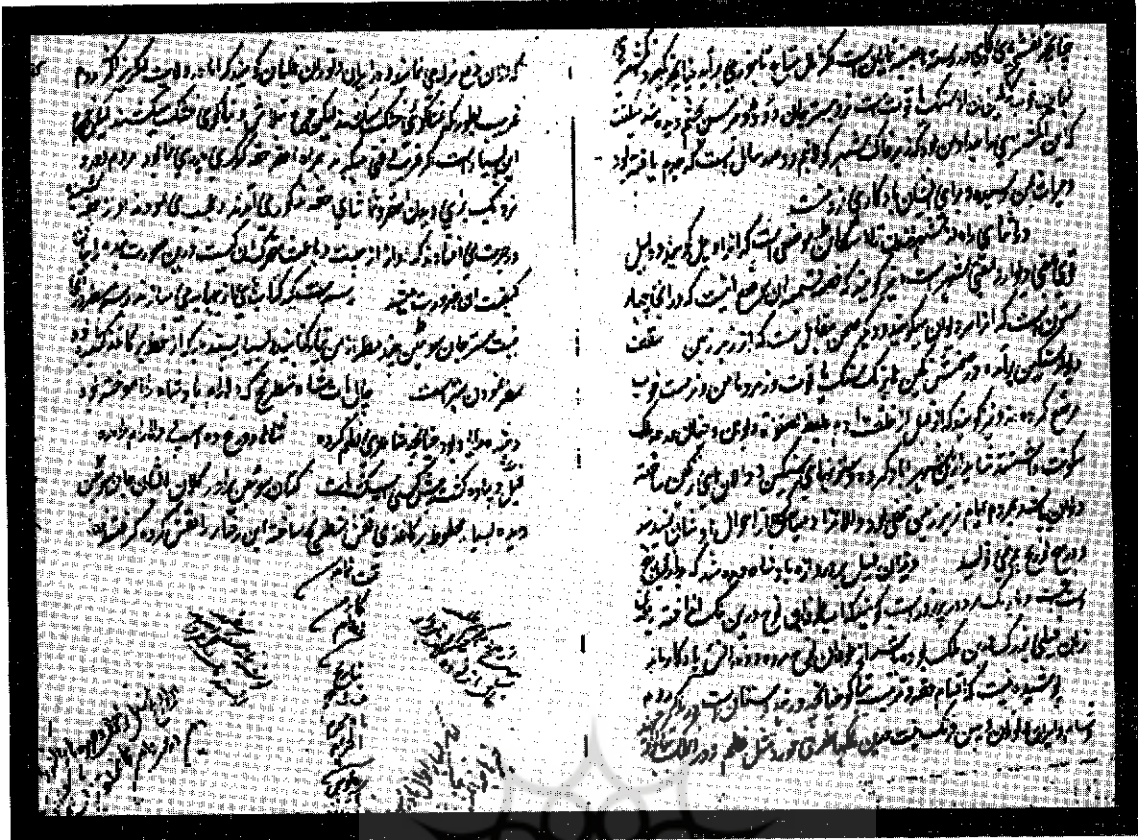
اعتصام‌الدین نتیجه می‌گیرد، روش انگلیسی‌ها بسیار خوب بوده و بهتر است که از سوی دیگران مورد سرمشق قرار گیرد. زیرا در این شکل پادشاهی نه شاه می‌تواند به دلیل محدودیت اختیارات، خودکامگی پیشه کند و مصدر فتنه و فساد شود و نه مدعیان متعدد قدرت به خاطر وجود موازین قانونی می‌توانند به فکر شورش و شاه نشانی بیافتند.<sup>۲۶</sup>

اعتصام‌الدین در مبحث بعدی تحت عنوان «حال تعیین و تجویز ارباب عدالت» به جنبه دیگری از نظام حکومتی انگلیس، یعنی نظام پارلمانی می‌پردازد. وی پیرامون «خانه عدالت» که آن را «به زبان انگریزی پارلمنت هوس» گویند و برخی از ویژگی‌های آن سخنانی به رشته نگارش کشیده و شمار نمایندگان یا «ارباب عدالت» را



میرزا جعفر طیب از نخستین محصلان اعزامی ایران به انگلستان





«بیست و چهار کس» می‌شمرد. وی یادآوری می‌کند که نمایندگان هر یک بر اساس پایه‌های اجتماعی‌شان رتبه‌بندی شده و در محلی که برای استقرارشان مهیا شده قرار می‌گیرند و بدین نکته توجه می‌کند که تصمیمات و مصوبات «ارباب عدالت» بر تمام امور مملکت نافذ است و همگان بر اطاعت و اجرای احکام پارلمنت متفق‌اند و احکام آنرا «وحی آسمان» می‌دانند و «غرض که حکم عدالت بر جمیع احکام سلطنت غالب است.»<sup>۲۶</sup>

اعتصام‌الدین به انتخابی بودن و محدود بودن دوره نمایندگی اعضای پارلمان اشاره می‌کند و می‌نویسد: «بعد از دو سال ایشان را تغییر کنند و دیگر نصب کنند که مبدا بنا بر قدامت کسی را طرفداری» نمایند.

به دیده اعتصام‌الدین، ارباب عدالت کارهای مفیدی انجام می‌دهند. آنان پادشاه جدید را برمی‌گزینند و چنانچه دو تن مستحق یا نامزد سلطنت باشند موضوع را به آرای عمومی واگذار کرده و به قید قرعه و بنابر ملاحظه اکثریت (نصف بعلاوه یک) یکی از دو تن را به عنوان پادشاه معرفی می‌کنند. آنان همچنین میزان مالیات‌ها را تعیین می‌کنند و در صورت بروز جنگ و خالی بودن خزانه مبادرت به استقراض یا قرضه ملی از مردم می‌نمایند.<sup>۲۷</sup>

### اعتصام‌الدین همچنین به این نکته که او اولین آسیایی است که پا به قاره اروپا گذاشته تأکید نموده و می‌نویسد: «الغرض پیش از مؤلف نسخه کسی غیر از خلاصیان... کسی منشی با این لباس در ولایت» نرفته و مردم اروپا نیز تا آن موقع از وضع و اطوار مردم هندوستان چندان اطلاعی نداشتند

اعتصام‌الدین در مبحث «آئین ضبط و ربط عدالت» به نظام دادگستری و قضایی انگلیس پرداخته و از اجازه انتخاب و کیل برای طرفین دعوا در محاکمات و «حقوق حق و رفع نالش» سخن گفته و معتقد است در راستای اجرای عدالت، رشوه و «نذرانه» مدخلیتی نداشته و نظم و ترتیب نظام قضائی انگلیس به صورتی است که احدی نمی‌تواند حق کسی را پایمال کند.

او همچنین به مجازات مرگ برای اشخاصی که دست به سرقت و دزدی می‌زنند اشاره کرده و می‌نویسد استدلال آنان این است که دزدی چه کم و چه زیاد منفور است و صرف اراده دزدی برای اجرای مجازات مرگ کافی است. اعتصام‌الدین در ادامه تباین این حکم با احکام اسلام را گوشزد کرده و در خاتمه به مجازات اعدام برای کسانی که مرتکب زنا شده‌اند اشاره کرده است.<sup>۲۸</sup>

یکی از نکاتی که از دیده اعتصام‌الدین دور نمانده، تشکیلات کمپانی است. وی نخست به وجه

تسمیه کمپانی پرداخته و سپس به ساختار اداری و سلسله مراتب آن اشاره نموده است و از اقسام کمپانی در اروپا خبر می‌دهد و از تعهدات متقابل کمپانی و دربار یاد می‌کند. نکته جالبی که وی به آن اشاره می‌کند ممنوعیت واردات پارچه بنگاله و ابریشم و تریاک به انگلستان است.<sup>۲۹</sup>

یکی از شگفتی‌هایی که از دید اعتصام‌الدین دور نمانده مسئله تعلیم و تربیت و آموزش عمومی و اهتمام مردم انگلیس به تأسیس مدارس و آموزش علوم مختلف و حتی رایگان و ارزان‌قیمت برای افراد فقیر و کم‌درآمد است.

وی می‌گوید برخلاف روش معمول در هند و بنگاله که افراد ثروتمند جهت آموزش فرزندان خود از معلم سرخانه استفاده می‌کنند و بنا به دلایل عاطفی و حتی خرافی از تحصیل آنان جلوگیری می‌کنند، در انگلستان مردم فرزندان «دختر و پسر» خود را از ابتدای چهارسالگی به مدارس دوردست می‌فرستند و تا مدت بیست سال انواع علوم را به آنان آموزش می‌دهند. بدین‌سان وی از وضعیت آموزشی هند انتقاد کرده و همین‌بی‌توجهی به امر آموزش را باعث عقب‌ماندگی و مذلت و خواری و تحت سلطه قرار گرفتن آنان می‌داند.<sup>۳۰</sup>

اعتصام‌الدین ضمن برشمردن برخی از علوم رایج در انگلیس مثل اسب‌سواری، موسیقی، رقص و... مراحل و مراتب تحصیل را این گونه بیان



تصویر سه شاهزاده ایرانی که از ایران به انگلستان گریختند و مدت‌ها نقل محافل لندن بودند.

**مرآت الاحوال جهان نما**

مجموعه و تراجم اسرار معاصران  
آقای احمد کریم‌نژاد نویسنده  
تولده استاد کن و جید بهبهانی  
مجموعه ۱۳۳۵ هـ

جلد اول  
مجموعه و تراجم اسرار معاصران  
مجموعه ۱۳۳۵ هـ

تولده استاد بزرگ انقلاب اسلامی  
مجموعه ۱۳۳۵ هـ

اعتصام‌الدین در مبحث دیگری که فوق‌العاده تأمل‌برانگیز است، تحت عنوان «حال عقل معاش»، انگلیسی‌ها را به عنوان مردمی عاقل و هوشمند سخت مورد ستایش قرار داده است. وی از ارجحیت «عقل معاش» بر «عقل معاد» در نزد انگلیسی‌ها پرده برمی‌دارد و می‌گوید آنان درستی امور دنیا را مقدم بر کارهای دینداری دانسته و بیشتر برای آبادی دنیای خود تلاش می‌کنند تا برای جهان آخرت

سیاحت و تفریح و کسب مال و ثروت صرف می‌کنند و پس از آن مبادرت به ازدواج و تشکیل خانواده کرده و مابقی عمر خود را به خوشی و کامرانی سپری می‌کنند. اما در هند افراد از همان کودکی بنا به میل خانواده ازدواج نموده و از همان ابتدا، تلاش در جهت زن گرفتن را بر «جمع امور دنیوی مقدم» می‌دارند. زیرا دغدغه اصلی آنان ازدواج و مشکلات ناشی از آن است که نهایتاً به جلائی وطن و ترک خانه و خانواده برای کسب درآمد منجر می‌شود و هرگز فرصتی برای اندیشیدن و استفاده از اوقات خود و برخوردار شدن از نعمات زندگی را ندارند.

اعتصام‌الدین سپس از شیوه زندگی مردم انگلیس و اهمیت و ارزش وقت در نزد آنان و بی‌قدر و قیمت بودن متاع وقت در نزد آسیائی‌ها سخن به میان می‌آورد. وی اذعان می‌دارد که انگلیسی‌ها حتی در سنین هفتادسالگی و کهولت نیز لحظه‌ای از اشتغال به علم و هنر غافل نمی‌شوند و به یادگیری علوم و فنون و اختراعات و صنایع و هر آنچه که نفع آن به دیگران عاید می‌شود، می‌پردازند و هرگز به مانند مردم مشرق زمین وقت خود را صرف سرودن شعر در «وصف خط و خال معشوق و شراب و شاهد» نمی‌کنند. در اینجا اعتصام‌الدین از زبان انگلیسی‌ها به نکوهش هموطنان خود پرداخته می‌گوید: انگلیسی‌ها «شعر و مقالات را هزل و سغه محض دانسته و کتابهای دیوانیات را اسم با مسمی دانسته مصنف را دیوانه می‌انگارند.»

اعتصام‌الدین در تحلیل نهایی خود، رواج فرهنگ سخت‌کوشی، بی‌زاری از رخوت و تنبلی و تربیت صحیح فکری و جسمی جوانان انگلیسی را مایه قدرت و سلطه آنان بر سرزمین‌های دیگر می‌داند و می‌گوید با داشتن چنین ویژگی‌هایی «چرا بر ممالک مسلط نشوند؟» به دیده وی تصرف سرزمین‌های دیگران، حق طبیعی چنین مردمی است.

اعتصام‌الدین از سوی دیگر، شیوع فرهنگ تن‌پروری و تنبلی، مشغول بودن مردم هند به تحمل و تشریفات دست و پاگیر را باعث عقب‌ماندگی آنان می‌داند و می‌گوید با وجود این همه سست‌عنصری، «چگونه بر خانه و ملکشان بیگانه قابض و متصرف نشوند». اعتصام‌الدین، علت عقب‌ماندگی شرق نسبت به غرب را به صراحت در فقر فرهنگی و درک نادرست آنان از فلسفه زندگی دنیوی می‌داند و به تلویح خواستار بازنگری در آداب و سنن و رفع این نقیصه است.<sup>۴۱</sup>

اعتصام‌الدین در ادامه، آگاهی‌های سودمندی پیرامون نظرات «حکمای عرب و عجم» در خصوص تقسیم‌بندی جغرافیایی جهان بدست می‌دهد و به نقل از «اهل فرنگ» جهان را به «چهار حصه» (قاره) یورپ، آفریقا، ایشا (آسیا) دنیای نو (آمریکه) تقسیم می‌کند.

می‌کند: «اول حرف تهجی را یاد دهانید... بعد از آن مصدرات و اصراف و صیغه‌های ماضی و مستقبل امر و نهی و غیره آموزانند سوال و جواب طفلان را یاد رهنیده بعد از آن نظمتان و حکایات رنگین که اطفال را بخوانند آن رغبت تمام شود تا دو سال تعلیم دهند که بمطالعه قادر شود بعد از آن مدتی در تعلیم حساب برند و هر گاه که از نوشتن و خواندن علم فارغ شود در کسب علم و دین و عقاید عدالت و علم حکمت و طب و غیره تشویق نمایند.»<sup>۴۲</sup>

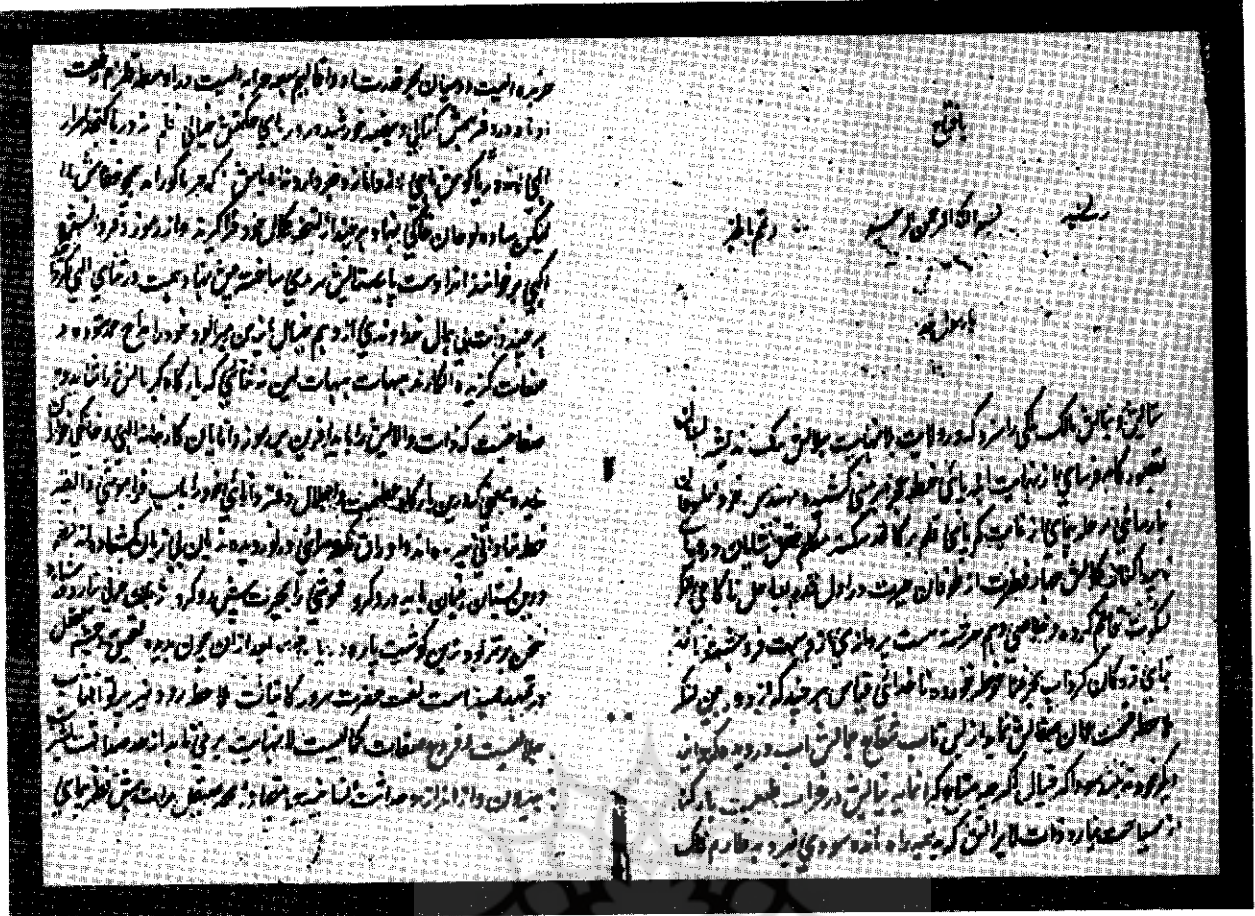
سپس اعتصام‌الدین از «حویلی بسیار کلان و وسیع» یاد می‌کند که توسط پادشاه «برای پرورش و تربیت طفلان چه ذکور و چه اناث» فقرا و ایتم شهر ساخته شده بود و هزینه تحصیل و آموزش آنان «از غذای لایقه و لباس و...» از سوی شاه پرداخت می‌شده است. در این مدرسه ابتدا اطفال خواندن و نوشتن می‌آموختند و پس از آن دختران و پسران در محل‌های جداگانه به کارآموزی و فراگیری مهارت‌های مردانه و زنانه می‌پرداختند. دختران به کارهای خانه‌داری و پسران به آموختن قواعد جنگ و درودگری و آهنگری و دیگر فنون مشغول شده و پس از کسب مهارت مادام‌العمر در فوج پادشاهی استخدام می‌شدند.<sup>۴۳</sup>

اعتصام‌الدین در مبحث دیگری که فوق‌العاده تأمل‌برانگیز است، تحت عنوان «حال عقل معاش»، انگلیسی‌ها را به عنوان مردمی عاقل و هوشمند سخت مورد ستایش قرار داده است. وی از ارجحیت «عقل معاش» بر «عقل معاد» در نزد انگلیسی‌ها پرده برمی‌دارد و می‌گوید آنان «درستی امور دنیا را مقدم بر کارهای دینداری دانسته و بیشتر برای آبادی دنیای خود تلاش می‌کنند تا برای جهان آخرت. وی این طرز تلقی انگلیسی‌ها را شایسته پیروی سایر ملتها دانسته و توجه بیش از حد مردم انگلیس به مادیات و تلاش در جهت رفاه زندگی مادی را باعث پیشرفت آنان می‌داند.

اعتصام‌الدین، تلاش و سخت‌کوشی، «بی‌زاری از تنبلی» و علاقه بیش از حد آنان به گردآوری مال و ثروت و «عدم توجه به شانس و اقبال» را ستوده و می‌گوید: ثروتمندان انگلیسی به امر تجمع ثروت در خانواده اهتمام زیادی به خرج می‌دهند و برای جلوگیری از تکثیر و تقسیم آن بر اثر ارث تمهیداتی اندیشیده‌اند. بدین صورت که، فقط فرزند ارشد را به عنوان وارث خود تعیین می‌کنند و او همانند پدر با حفظ یکپارچگی ثروت سایر افراد خانواده را تا هنگامی که سر و سامان گیرند، زیر چتر حمایت خود قرار می‌دهد.<sup>۴۴</sup>

یکی از موارد قابل توجهی که اعتصام‌الدین با تیزبینی به آن پرداخته، مسأله ازدواج در نزد انگلیسی‌ها و مقایسه آن با رسم متداول در هندوستان است. وی خاطر نشان می‌سازد مردم انگلیس چهل سال نخست زندگی خود را به سیر و





اعتصام‌الدین، علت رونق یافتن سفرهای دریایی و اکتشافات غریبان را اختراع «کمپاس» یا قطب‌نما می‌داند. وی سخنی چند درباره چگونگی کشف قاره آمریکا توسط اسپانیایی‌ها و کوشش‌های آنان در این زمینه ذکر کرده است. تا آنجا که ما آگاهی داریم اعتصام‌الدین نخستین آسیایی است که در این باب

اطلاعاتی، بدست داده و راجع به وضعیت اجتماعی و سطح تمدنی و فرهنگی بومیان آمریکا در آستانه ورود اروپائیان به طور گستره سخن به میان آورده و از معادن سرشار «طلا و نقره و مس و...» آنجا که «به کثرت» بوده، بحث می‌کند.

اعتصام‌الدین همچنین به تکاپوهای غریبان جهت اشغال و اسکان و استثمار دنیای نو پرداخته و به تلاش‌های اسپانیا، فرانسه و انگلیس برای تصرف بخش‌هایی از آن اشاره می‌کند. وی خاطرنشان می‌سازد و با ورود تجار و اهل حرف و افرادی که به دلایلی در اروپا تحت تعقیب بودند. به تدریج فرهنگ و شیوه کشورداری اروپا به این منطقه سرایت کرد. از نکات قابل توجه در این مبحث مطرح ساختن نبردهای مردم آمریکا با انگلستان و تلاش‌هایی است که در راستای کسب استقلال آمریکا صورت می‌گرفت؛ شاید بتوان گفت اعتصام‌الدین نخستین

### اعتصام‌الدین در تحلیل نهایی خود، رواج فرهنگ

سخت کوشی، بیزاری از رخوت و تبیلی و تربیت صحیح فکری

و جسمی جوانان انگلیسی را مایه قدرت و سلطه آنان

بر سرزمین‌های دیگر می‌داند و می‌گوید یا داشتن

چنین ویژگی‌هایی «چرا بر ممالک مسلط نشوند؟» به دیده وی

تصرف سرزمین‌های دیگران، حق طبیعی چنین مردمی است

آسیایی است که مطالبی از این دست را به فارسی‌زبانان ارائه می‌دهد.<sup>۴۳</sup>

اعتصام‌الدین مطالب پایانی خود را به بیان انگلند و حالات غله / بیان بقولات / بیان اقسام گل‌های ولایت / بیان اشجار ولایت فرهنگ / ذکر سرای و مقامات و منازل مسافران / بیان طریق اذکر راسته‌بندی صحرا و گرفتن چرخ رسته‌بندی / طریق کشتکار / بیان خوبی کشتکار / بیان گاوان و دیگر مواسی / بیان مرغ و بسط و غیره / ذکر صنایع بدایع ملکوت فرنگ / بیان گهری ساعت / سبب بی‌اتفاقی از کپتان سونتین / سوال و جواب از کپتان صاحب موصوف / ذکر عیب و موسم ولایت انگریزان / ذکر شروط قماربازی / اغرایب روم و بیان موضع دیبل یعنی شیطان / که حاوی جزئیات جالب توجهی در خصوص مسائل اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی کشور انگلستان می‌باشد، اختصاص داده است.<sup>۴۴</sup>

اززیایی، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری؛

با امعان نظر در مندرجات

شگرف‌نامه ولایت، معلوم می‌شود که

اعتصام‌الدین به عنوان نخستین

دیدارکننده آسیایی از اروپا از همان آغاز

ورود مرعوب دستاوردها و پیشرفت‌های

عظیم صنعتی مدنیت جدید غرب شده و

به جای شناخت جوهره تمدن غرب و

ارائه یک راهکار عملی برای دستیابی به

این پیشرفت‌ها و به‌کارگیری آن در جهت رویارویی

با استعمار غرب و نجات از واپس‌ماندگی، در هاویه

غرب‌ستایی فروغلتیده و در هیچ جای سفرنامه خود

از تمجید و تحسین انگلیسی‌ها فروگذار نکرده است.

گرچه وی با زبانی ساده و گویا آگاهی‌های

زیادی در زمینه دانش و یافته‌های نوین علمی اروپا

برای فارسی‌زبانان به دست داده ولی در مورد

بسیاری از ویژگی‌های مدنیت غرب با بی‌اعتنایی

برخورده کرده است. به عنوان نمونه، وی به یکی از

بهترین و سودمندترین نهادهای غربی یعنی

مطبوعات که توسط ایرانیان (رکن چهارم مشروطه)

نام گرفته، ۵۴ اشاره‌ای نکرده و علی‌رغم اینکه

نویسنده از سابقه روزنامه‌نویسی انگلیسی در هند و

اختصاص ستونی از مطالب روزنامه به زبان فارسی

اطلاع داشته و در انگلستان نیز با این نوع نوشته‌ها

سر و کار داشته در هیچ جای شگرف‌نامه پیرامون



میرزا ابوطالب خان نخستین ایرانی که کتابی درباره انگلیسی‌ها نوشته است.

قلم زده‌اند، فقط به نشان دادن نقایص کشورهای شرقی اکتفا نکرده، بلکه به ارائه طریق هم می‌پردازد و معتقد است که بسیاری از سنت‌ها و آداب و رسوم و اختراعات و اکتشافات که باعث پیشرفت غربیان شده برای مسلمانان هم قابل استفاده و تقلید است. وی می‌گوید هم‌وطنان او و دیگر مردمان کشورهای واپس‌مانده برای دستیابی به علوم و فنون غربی بایستی به علم و دانش نوین از طریق اقتباس از اروپا مسلح شوند و از تبلی و تن‌پروری و غفلت اجتناب کرده و در آداب و سنن نادرست خود تجدیدنظر کرده و یا آنرا با مقتضیات زمان تطبیق دهند.<sup>۵۸</sup>

در پایان، مطالعه و بهره‌گیری از دقایق و لطایف شگرف‌نامه به استعمارپژوهان و علاقمندان به مطالعات غرب‌شناسی و مسائل شبه‌قاره هند توصیه می‌گردد.

#### پی‌نوشت‌ها:

\* این نوشتار با الهام از اشارات و آثار و سرمشق قرار دادن سبک تاریخ‌پژوهی زنده‌یاد دکتر عبدالهادی حائری، استاد ممتاز گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد فراهم آمده است.

۱ - ماله، آبر و ژول ایزاک: تاریخ قرون جدید، ترجمه سینفخرالدین شادمان، تهران: انتشارات دنیای کتاب و نشر علم، ۱۳۶۶، ص ۳.

۲ - بهار، احمد: میراث‌خوار استعمار، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۵، ص ۲۴۰.

۳ - همان، صص ۶۶-۲۲۲.

۴ - آدمیت، فریدون: مقدمه‌ای بر ایدئولوژی مشروطه، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۴۰، ص ۲۲۷.

۵ - رجایی، فرهنگ: «مروری بر برداشت‌های ایرانیان از غرب»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال پنجم، شماره دهم و پانزدهم، مرداد و شهریور ۱۳۷۰، ص ۱۷.

۶ - رایب، دنیس: ایرانیان در بین انگلیسی‌ها، ترجمه منوچهر طاهرنیا، تهران: انتشارات یزدان، ۱۳۶۴، ص ۱۰۱.

۷ - این تقسیم‌بندی را از اشارات مرحوم غلامحسین یوسفی وام گرفته‌ام. نگاه کنید به یوسفی، غلامحسین: دیداری با اهل قلم درباره بیست کتاب نثر فارسی، جلد دوم، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۶، ص ۴۰.

۸ - محمدریض‌بن محمد ابراهیم: سفینه سلیمانی (سفرنامه سفیر ایران به سیام) ۱۰۹۴-۱۰۹۸ ق، تصحیح و تحشیه عباس فاروقی، چاپ دوم، تهران: انتشارات تهران، ۱۳۷۸، صص ۲۹-۲۴.

۹ - قزوینی، ابوالحسن: فواید‌الصفویه، به تصحیح مریم میراحمدی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۱۰۴ به بعد، این اثر به خاطر سهل‌انگاری، عدم رعایت اصول و موازین انتقادی در تصحیح متون و شباهت‌زدگی مصحح در نشر آن دچار صدمات زیادی شده است.

۱۰ - حزین لاهیجی، شیخ محمدعلی: تاریخ و سفرنامه حزین، تصحیح علی دوانی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵.

نام روزنامه و نقش مطبوعات سختی به میان نیاورده است. این در حالی است که اولین روزنامه هند به سال ۱۷۶۶ م در کلکته و سپس در سال ۱۷۸۰ در بنگال منتشر شده است و در انگلستان نیز از سال ۱۷۰۹ م به طور مستمر روزنامه‌ها منتشر می‌شده‌اند.<sup>۵۹</sup>

جای مسائل مهم دیگر از قبیل اصلاح‌گری‌های مذهبی که در تاریخ، عنوان «رفورم» یافته و همچنین فراماسونری و اصول و تشکیلات آن در شگرف‌نامه خالی است.

اعتصام‌الدین همچنین با وجود اطلاعات وسیع، از مسئله بسیار مهمی که در آن موقع هم برای انگلیس و هم برای خود وی مهم بوده یعنی تکاپوهای استعماری انگلیس و هم‌زاد بودن و رابطه تنگاتنگ آن با دانش و فن و مظاهر مادی مدنیت غرب که مرحوم حائری آنرا «دورویه بورژوازی غرب» نامیده<sup>۶۰</sup> سختی نگفته و در عوض فعالیت‌های استعماری انگلیس را ستوده است. زیرا از دید اعتصام‌الدین پیشرفت‌های انگلیس در زمینه علم و دانش به آن کشور یک نوع مرجعیتی اعطا نموده به گونه‌ای که تصرف سرزمین‌های دیگران حق طبیعی او، خیرخواهانه و بخشی از رسالت اشاعه تمدن غربی است.

به رغم این کاستی‌ها، شگرف‌نامه تهی از ارزش نیست زیرا مؤلف با تشریح وجوه اختلاف و تفاوت زیادی که بین شیوه زندگی و کشورداری دول آسیایی و اروپایی وجود داشت، چشم و گوش بسیاری از هم‌زبانان و هم‌وطنان خود را به تحولات جدید آن عصر باز کرد.

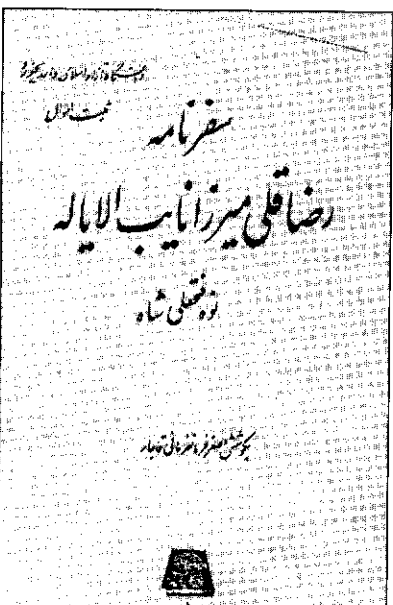
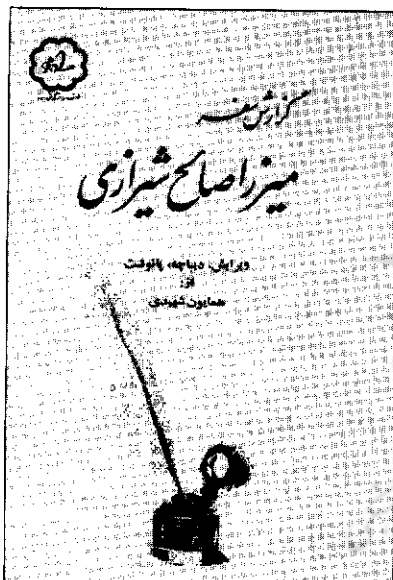
از آنجایی که او توانسته با سبک و شیوه ثبت خاطرات خود، الگو و سرمشقی برای دیگران من جمله میرزا ابوطالب اصفهانی و سایر کسانی که به اروپا سفر کرده‌اند ارائه نماید می‌بایست سهم زیادی برای اعتصام‌الدین و شگرف‌نامه در بیداری فارسی‌زبانان در نظر گرفت.

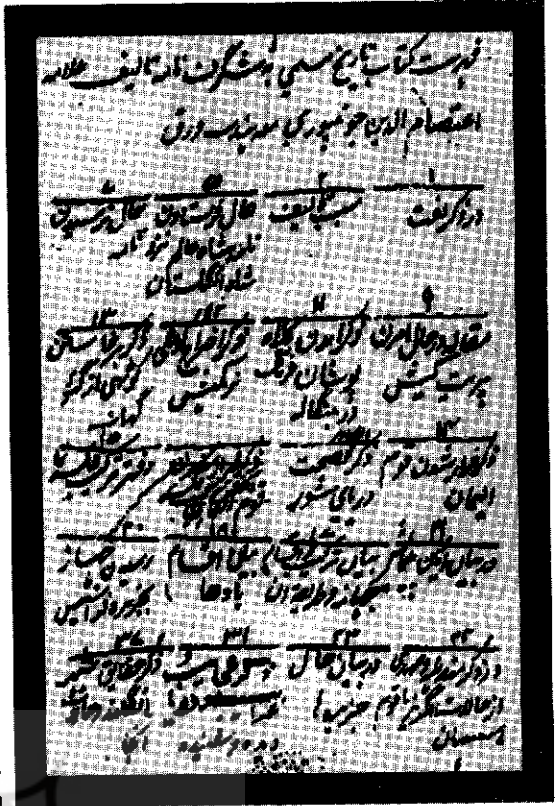
معهدا از نکات برجسته این اثر، اشتغال آن بر برخی از واژگان و ترکیبات اصیل فارسی، اشاره مؤلف به موقعیت و جایگاه زبان فارسی در انگلستان و اشتیاق وافر آنان در آموختن زبان فارسی به عنوان یکی از پیش‌شرط‌های استخدام در کمپانی و پیشرفت و ترقی انگلیسی‌ها است:

ارائه پاسخ‌های عالمانه به پرسش‌های دانشمندان انگلیسی در باب مسائل مذهبی همچون: شخصیت پیامبر اسلام، جنگ‌ها و غزوات و تعدد زوجات، از مطالب خواندنی کتاب است.

داستان جالب توجه مقاومت اعتصام‌الدین در برابر تلاش‌هایی که در جهت تغییر لباس و کیش او توسط کاپیتان سونتین صورت گرفته از نکات بااهمیت و قابل تأمل دیگر این اثر است.<sup>۶۱</sup>

البته اعتصام‌الدین برخلاف سایر نویسندگانی که در خصوص معرفی تمدن غرب به فارسی‌زبانان





انگلستان و تحلیل دیدگاه‌های نویسنده درباره مشاهداتش از غرب به فصل ششم کتاب ایرانیان در بین انگلیسی‌ها تحت عنوان «داستان سه شاهزاده» رجوع شود.

۱۸ - رایته، دنیس: ایرانیان در بین انگلیسی‌ها، پیشین، ص ۱۰۰.

۱۹ - یوسفی، غلامحسین: دیداری با اهل قلم، جلد دوم، ص ۴۰. نیز نگاه کنید به: میرزا ابوطالب اصفهانی، مسیر طالبی، پیشین، ص ۲۳.

۲۰ - اعتصام‌الدین جونپوری: شگرف نامه ولایت، نسخه دستنویس فارسی، کتابخانه بریتانیا، بخش شرقی شماره ۲۰۰. ظاهراً مطالب جالب شگرف نامه مورد توجه انگلیسی‌ها هم واقع شده به گونه‌ای که بنا به گفته مرحوم حائری مدت زمانی اندک پس از نگارش آن توسط اعتصام‌الدین در سال ۱۸۲۸ م با ویژگیهای زیر به زبان انگلیسی ترجمه شده است.

۲۷ - همان، ورق ۴۵b-۴۸a.

۲۸ - همان، ورق ۵۸. برای آگاهی از علل و نتایج نبرد پلاسی نگاه کنید به: نهر، جواهر لعل: کشف هند، ترجمه محمود تقضلی، جلد اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱، صص ۹۳-۴۵۴.

۲۹ - شگرف نامه ولایت، ورق ۴b. برای آگاهی بیشتر در این زمینه نگاه کنید به: آنتونوا، ک. بونگاردلوی، گ و کوتوفسکی، گ: تاریخ نوین هند، ترجمه پرویز علوی، تهران، نشر بین‌المللی، ۱۳۶۱، صص ۲۶-۲۵.

۳۰ - آنتونوا، ک و دیگران، همان منبع، ص ۲۶.

۳۱ - شگرف نامه ولایت، ورق ۷۸-۶b.

۳۲ - همان، ورق ۸۸، ۷b.

۳۳ - همان، ورق ۱۱b، ۱۰a.

۳۴ - همان، ورق ۱۱a.

۳۵ - همان، ورق ۱۲b-۱۲b.

۳۶ - همان، ورق ۱۴a، ۱۳b.

۳۷ - همان، ورق ۱۱b.

۳۸ - همان، ورق ۳۷b، ۱۵b.

یعنی عمده کشتی و جانشینان هندی که در خدمت ناولگان انگلیسی بوده و به مناسبت شغل خود به سواحل انگلستان می‌آمده‌اند ولی نه ارتباطی با مردم داشته و نه نوشته‌ای از خود بر جای نهاده‌اند.

۳۹ - همان، ورق ۳۹b.

۴۰ - همان، ورق ۷۵b-۴۰a.

۴۱ - همان، ورق ۷۷a-۷۶b.

۴۲ - همان، ورق ۷۸a-۷۷b.

۴۳ - همان، ورق ۸۰a-۷۹a.

۴۴ - همان، ورق ۸۱a-۸۰a.

۴۵ - همان، ورق ۸۴a-۸۳a.

۴۶ - همان، ورق ۸۸a-۷۸b.

۴۷ - همان، ورق ۸۹b.

۴۸ - همان، ورق ۹۰a.

۴۹ - همان، ورق ۹۲b-۹۰a.

۵۰ - همان، ورق ۹۳a-۹۲b.

۵۱ - همان، ورق ۹۵b-۹۳b.

۵۲ - همان، ورق ۹۹b-۹۶b.

۵۳ - همان، ورق ۱۱۲b-۹۹b.

۵۴ - حائری، عبدالهادی: آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران، ص ۹۸.

۵۵ - پروین، ناصرالدین: تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان، جلد اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷، ص ۴۷. نیز رک: جهانگیر صلح‌جو، تاریخ مطبوعات ایران و جهان، تهران، نشر سیمرغ، ۱۳۴۸، ص ۳۰.

۵۶ - حائری، عبدالهادی، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه بورژوازی غرب، ص ۱۵.

۵۷ - شگرف نامه ولایت، ۱۰۹a، ۱۰۷a، ۷۰a.

۵۸ - همان، ورق ۹۵a-۹۳a.

Itisamal - din, shigarf Nameh-i-Velaet. Or Excellent Intelligence Concerning Europe. from the Original Persian manscript Alexander. London. ۱۸۲۷. Traslated by James Edward

۲۱ - شگرف نامه ولایت، ورق ۳ b (درباره وجه تسمیه کتاب و منظور نویسنده از واژه ولایت شایان ذکر است که واژه ولایت تحت دو معنا، نخست به معنای عام اروپا و فرنگ و سپس به معنای خاص انگلستان به کار رفته است. البته در کتب تذکره و تواریخ فارسی هندوستان واژه ولایت به مهاجران ایرانی هم اطلاق شده است. در لغت نامه اردو، واژه ولایت معادل اروپایی، خارجی، انگلیسی، ایرانی، ترک و افغانی آمده است. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: ارشاد، فرهنگ: مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند، تهران، مؤسسه مطالعات تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۵، صص ۱۱۷-۱۱۶.

۲۲ - حائری، عبدالهادی: آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران، گذری بر نوشته‌های پارسی در دو سده واپسین، مشهد، جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۷۴، صص ۲۳-۱۲۱.

۲۳ - افشار، ایرج: مجله آینده، سال سیزدهم، شماره ۱-۳، سال ۱۳۶۶، صص ۱۰۷-۱۰۲.

۲۴ - حائری، عبدالهادی: رویارویی اندیشه‌گران مسلمان در کشورهای اسلامی با دو رویه تمدن بورژوازی غرب»، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال سوم، شماره ۱ و ۲، سال ۱۳۷۰، ص ۱۱۷.

۲۵ - شگرف نامه ولایت، ورق ۷۰a، ۶b.

۲۶ (همان، ورق ۳b).

۱۱ - شوشتری، میرعبداللطیف: تحفه العالم و ذیل التحفه، به تصحیح صمد موحد، تهران، نشر طهروری، ۱۳۶۴.

۱۲ - سلطان الواعظین، ابوالفتح حسنی الحسینی: سفرنامه و سیاحتنامه سلطان الواعظین به هند، نسخه دستنویس فارسی برای آگاهی از شرح احوال، مندرجات کتاب و تحلیل دیدگاه‌های درباره غرب نگاه کنید به حائری عبدالهادی: نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷، صص ۹۹-۲۹.

۱۳ - کرمانشاهی، آقا احمد: مرآت الاحوال جهان نما، به تصحیح علی دوانی، ۲ ج، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵، کاش مصحح محترم به هنگام تصحیح این اثر بسیار ارزشمند به متون مشابه نظیر سفینه سلیمانی و تحفه العالم و توضیحات و تعلیقات جامع کوشندگان مراجعه می‌کرد و چاپ منقح‌تری ارائه می‌داد.

۱۴ - اصفهانی، میرزا ابوطالب خان: مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان، به کوشش حسین خدیوچ، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

۱۵ - ایلیچی، میرزا ابوالحسن خان: حیرت نامه سفر، به تصحیح حسن مرسلوند، تهران، نشر رسا، ۱۳۶۴.

۱۶ - شیرازی، میرزا صالح: گزارش سفر میرزا صالح شیروازی، به کوشش همایون شهیدی، تهران، نشر راه نو، ۱۳۶۲.

۱۷ - رضا قلی میرزا: سفرنامه رضا قلی میرزا نایب‌الایاله، به کوشش علی اصغر فرمانفرمایی قاجار، تهران، اساطیر، ۱۳۶۱. برای آگاهی از جزئیات علل و عوامل سفر شاهزاده رضاقلی میرزا به اتفاق برادرانش به